

سایر شاخه‌های علم اقتصاد:

مهم‌ترین شاخه‌های علم اقتصاد در حال حاضر شامل اقتصاد رشد و توسعه، اقتصاد

کشورهای توسعه‌یافته، تجارت و بازرگانی بین‌المللی، اقتصاد کشاورزی، اقتصاد مالی،

اقتصاد جمع‌زیرین، اقتصاد مسکن، اقتصاد آموزش، اقتصاد بهداشت، اقتصاد صنعتی

اقتصاد منطقه‌ای و شهری و مواردی از این دست جزو موارد

مهمی در این موارد جزو موارد از اقتصاد خرد و اقتصاد کلان انجام دارد

ضرورت مطالعه اقتصاد کلان: زندگی نوین جامعه شهری منجر به پیدایش

مشکلاتی از قبیل بیکاری تورم، رکود در وقت و پیامدهای ناشی از آن بوده

است که درک و فهم آنها بدون علم اقتصاد میسر نیست. اینجاست چرا اقتصاددانان مانند

این به عنوان مفهوم موفقیته و رشد باک اقتصاددانان دهه ۱۹۷۰، ناسمان

از دهه ۱۹۹۰ به بعد دچار رکود مزمن و ملگم رشد اقتصادی قابل توجه شده است

اینکه چرا اقتصاد آمریکا از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد به جز در مورد بسیار کم

اهمیت ۲۰۰۱ همواره در رونق بود و ناسمان از ۲۰۰۷ به بعد دچار رکود بسیار

شدید شد اهمیت اقتصاد کلان به نمایان می‌شود

اقتصاد کلان و مقابله با مشکلات اقتصادی:

همه به دنبال راه هستند به مشکلات را رفع کند در اقتصاد نیز چشم همه به دولت است کار دولت { این است که با سیاست های اقتصاد کلان باعث

رفع مشکلات اقتصادی شوند

همانطور که هدف از مطالعه علم پزشکی بیماری های صوف نیست بلکه هدف اساسی

درمان بیماری و معالجه بیماران است هدف اساسی در علم اقتصاد کلان نیز

ساخت بیماری یا مشکلات اقتصاد کلان به منظور درمان آن است

نوسانات اقتصادی و علم اقتصاد کلان:

نوسانات مجموعه رشدها و تورم و تغییرات است که ناشی از رفتارهای جمعی

است که در اقتصاد صورت میگیرد و نیاز به مطالعه دارد پس سیاست های

آغاز شده باید به این رفتارهای جمعی جهت دهد

از دهه سوم قرن بیستم به بعد شروع مشکلات فزاینده برای اقتصادهای صنعتی

بود که امروزه مطالعات رفتار جمعی در اقتصاد یا اقتصاد کلان مطرح شد

و هدف اساسی آن شناخت مشکلات اقتصاد کلان و راه های مقابله

Subject: ...
با آن بود در واقع به طور مشخص اقتصاد دانان به این نتیجه رسیدند که
مقابل با مشکلات اقتصاد طول وجود دارد و همیشه موضوع مطالعه اقتصاد
طول را ضروری می نماید

اهمیت رشد اقتصادی:

اگر اقتصاد با ۱۰۰ تومان تولید داشته باشیم و ۱۱۰ تومان تولید کنیم رشد
اقتصادی ۱۰ درصد افزایش می یابد پس رشد اقتصادی نشانه تغییرات در
سطح تولید کل اقتصاد است. اگر افزایش یابد به معنی کاهش یابد
رشد منفی خواهیم داشت

از گذشته های دور تا کنون در برهه از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد موضوع
رشد اقتصادی (افزایش سطح تولید کل اقتصاد در هر سال نسبت به سال قبل
از مهم ترین موضوعات علم اقتصاد طول بوده است

بیکاری و تورم:

نقطه مقابل این دو مورد اشتغال و کاهش می است افزایش بیکاری
ناشر از کاهش تقاضا است (برای تولید تورم اتومبیل ممکن و ...)

دلی در مورد ما توهم به دلیل کاهش تولید است یعنی تقاضا داریم دلی تولید
کاهش یافته و قدرت خرید نیست پس خرید کم نیز کاهش می یابد اگر
به عنوان مثال بازار خودرو داغ است برای یک سوخ تولید انجام شده است
دلی این تولید به محدود شدن افزایش باید در آن صورت هدف ای معاش
پیش خرید... نخواهیم داشت و همیشه مسئله باعث افزایش قیمت شده
است پس در تحلیل های کنونی اقتصاددانان در موضوع هم بیکاری و توهم
از جمله مهم ترین موضوعات مورد کفایت و مطالعه هستند و حدود سه دهه علم
اقتصاددانان عمدتاً حول این دو موضوع تکامل یافت در عین حال
این دو موضوع در زندگی روزمره جوامع از اهمیت بالایی برخوردار هستند
تبادل بودجه و تعادل آرزای پرداخت ما:

دولت برنامه یک به خودی و در قالب بندی به نام بودجه تنظیم می کند و در این
دوره نیز با مشخص می کند و این اختلاف اگر مثبت باشد مازاد بودجه است منفی
باشد سری بودجه و اگر برابر باشد تعادل بودجه را خواهیم داشت پس
دولت با بودجه را برابر با تعادل می نویسد و دلی مجلس آنرا بررسی می کند

و ملا می بندد که خود را خوش بنامد است یا هزینه را بیشتر است پس دولت با

کسری بودجه مواجه خواهد شد

تبادل بودجه در دنیای امروز اهمیت یافته است زیرا اغلب کشورها با

کسری بودجه روبه رو هستند که خود را بیشتر بسیاری از مشکلات و از جمله

تورم است

تراز پرداخت با مربوط به صادرات و واردات است یعنی دولت که بودجه مقادیری

صادرات و واردات خواهیم داشت و اختلاف این با عدم تعادل تراز پرداخت

با نام دارد پس برخلاف بودجه که با داخل ارتباط دارد تراز پرداخت با مربوط

به خارج از کشور است اگر صادرات بیشتر از واردات باشد تراز مثبت دانگر

واردات بیشتر از صادرات باشد تراز منفی یا کسری تراز پرداخت که به هر دو نام

راه حل خوش بلا دارد

برای کسری دولت بجهاد می رود دولت مایه های افزایش یا هزینه های

کاهش دهد یا دنبال پایه های جدید برای درآمد بگردد و در کسری تراز پرداخت

با منفی محدود کردن واردات و تسویه به صادرات یا با تغییر نرخ ارز دولت

که بران می کند پس تعادل تراز پرداخت ها (برابری دریافت ها و پرداخت های
از یک کشور) امروزه حائز اهمیت است زیرا عدم تعادل آن به پاره ای از
مشکلات از جمله نوسانات بازار منجر خواهد شد

تعریف میل:

میل خارج خوب ساده شده ای از روابط متغیرهای اقتصادی است این خارج خوب
ساده شده با استفاده از تعادلی فرض می سازیم به از طریق آن فرض می توانیم
بسیار هم اهمیت در بدون تأثیر معنی دارد در تجزیه و تحلیل که کنار می گذاریم
تا در بعضی روابط اساسی اهمیت دارد متغیرهای اقتصادی را شناسایی کنیم
پس میل یک چیزی نزدیک به روابطی است به متغیرهای اقتصادی اطلاق می شود
با استفاده دارند مثل میل یک اتومبیل و طعن است بتوان آنرا بسیاری
کرد و نواقص آنرا هر طرف بود اقتصاد اطلاق شود هم نشان می دهد
که نام متغیر است دولت است کدام متغیر از خارج وارد می شوند مثل قیمت نفت
و روابط همیشه این متغیر میل سازی می شود و سپس سیاست ها تغییر می کند
تعادل در میل های اقتصادی:

بودجه نباید نامتعادل باشد در بخش ترانزاکشنی پرداخت و بازارها و نهاد های
 مالی و بانکی باید تعادل برقرار شود و مجموع همه این تعادل ها تعادل
 کل اقتصاد طولانی می شود یعنی شش گوشه داخلی داخل بازار نهایتاً باید بازار
 را تعادل کند و عدای سطح اشغال تولید ملی سطح قیمت ها و پس اندازها و
 سرمایه گذاری صادرات و واردات و ... با وضعیت تعادلی طراحی می شود
 اخیراً مدل های عدم تعادل هم طراحی می شوند یعنی اقتصاد های که دائماً در
 حال عدم تعادل هستند چه عواملی باعث آن هستند وزارت اقتصاد و
 سازمان برنامه بودجه و بانک مرکزی مدل دارند مثلاً با تغییر نرخ بهره بانکی یا
 نرخ ارز می توانند بکنند چه اتفاقی می افتد یا وزارت اقتصاد رتبه می خواهد
 تصمیم بگیرد به وام بخش صنعت مثل صادرات یا بهداشت تمرکز می کنند
 شماره آن را بکنند در ایران مدل های دیگری می شوند اما استفاده نمی شوند یا هر اسکن
 هدف سیاستگذار طراحی می شود

تعامی مدل های اقتصادی با استفاده از مفهوم تولیدی تعادل به نتیجه مشخص
 می رسند تعادل به وضعیت گفته می شود به در آن اندازه تغییر وجود ندارد و

تبادل با این که در علم اقتصاد بررسی می‌شوند این ویژگی مشترک دارند
با استفاده از مفهوم تعادل از جنبه و تحلیل اقتصادی فضای راجع به
واقعیات اقتصادی استخراج می‌شود

بررسی درستی و نادرستی مدل های اقتصادی :

اقتصاد از نظر بررسی درستی و نادرستی فضای آن یک علم تجربی است
دلیل بر این در صورتی یک مدل از نظر تجربی تأیید می‌شود به نتیجه و قسمة
یا فضای حاصل از آن با دنیای واقعی انطباق داشته باشد هر چه
فضای حاصل از یک مدل با دنیای واقعی انطباق قابل قبولی داشته
باشد حتی اگر در فرض مدل ایراد داشته باشد می‌تواند آن مدل قابل قبول است

چرخه معالست اقتصادی :

چرخه تولید در آمد یا جریان مدور تولید در آمد نوعی مدل تقویری یا فلوجاری
است به جلونیسی انجام تولید جلونیسی ایجاد در آمد و جلونیسی تبدیل در آمد به مقاصد
برای همان تولید به نشان می‌دهد

نام چرخه به این دلیل است به مانند جریان دائمی هر بار در حال تکرار است تولید

صورت خرید درآمد ایجاب می شود در آمد به تقاضا تبدیل می شود و آن تولید

می خرد

تولید و مصرف و هزینه فعالیتهای اقتصادی:

چرخه فعالیتهای اقتصادی شامل تولید است. برای خانوارها درآمد ایجاد می کند و آن

شامل تبدیل همین درآمد به تقاضا است یا آنچه تولید شده است به فروش برسد و

بنگاهها این امره تکویم تولید و فعالیتهای اقتصادی را دارا هستند

خانوارها نقش مصرف کننده و تولید کننده نقش عرضه کننده را دارند

تعریف عرضه و تقاضای کل:

عرضه کل، Y^d ، ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی تولید شده و عرضه شده در

اقتصاد است که فرض می شود صرفاً توسط بنگاهها انجام می شود

تقاضای کل، Y^s ، ارزش پولی کالاها و خدمات نهایی خریداری شده و تقاضا شده در

اقتصاد است که فرض می شود با توسط مصرف کنندگان (خانوارها) صورت می گیرد

$$Y^d = C + I$$

یا توسط سرمایه پردازان

۱. به حل جمع زدن کاکا که ی تولیدی و خدمات جمع زدن ارزش آفرین است پس
 مقدار از هزینه کل در مقدار ارزش پولی کاکا که خدمات است باید ارزش پولی
 این کاکا که خدمات را به صورت نهایی بر روی بیم چون بیم تبدیل به
 مکن می شود پس باید آخرین مرحله را در نظر بگیریم
 ۲. معون ندها هستند به منابع معوضه انجام می دهند I سرمایه ندها هستند
 بنگاه یک واحد است - موجودی است که عوامل تولید را خریداری می کند و آن را به
 محصول و خدمات تبدیل می کند (افراد و نیروهای انسانی را با عوامل مثل
 آب برق و گاز و ترکیب می کند و محصول و خدمات را به وجود می آورد)
جریان دایره وار مثل دو بخش:

خانوارها هر روز به سمت بنگاه می روند و وقتی بر می گردند دستگرد می آورند و پول
 بجهت سرمایه ای که در اختیارش گذاشته اند می آورد یا سودی که به شکل منافع
 شده است پس خانوارها از بنگاه چند نوع دستگرد و اجاره رهنبره و سود دریافت
 می کنند به مجموع آن درآمد ملی است پس بنده که از خانوارها چیزهایی مثل بیم
 یا ساختمان را اجاره می کنند یا نیروی کارشان را مورد استفاده قرار می دهند